

مبانی فقهی پیشگیری از وقوع جرم و مصادیق آن در حقوق اسلام

محمد بهرامی خوشکار^۱

زهرا زارع نیستانک^۲

چکیده:

پیشگیری از بزهکاری و شیوه‌های آن، امروزه از موضوع‌های جدی مورد بحث در علوم جنایی است. دین به خصوص اسلام به عنوان یکی از عوامل مؤثر در مقابله و پیشگیری از جرائم دارای عناصر پیشگیری با اهمیتی است که در جرم‌شناسی باید مورد توجه قرارگیرد. دین مبین اسلام برای پیشگیری از وقوع جرائم و پاک و منزه ماندن جامعه از پلیدی‌ها، راهکارهایی را معرفی می‌نماید که اگر افراد جامعه به این امور پایبند باشند و به آن‌ها باور داشته باشند از جرایم بسیاری پیشگیری می‌شود. پیشگیری از جرم در برگیرنده مجموعه تدابیر غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش جنایی از ارتکاب بزه جلوگیری می‌کنند. مقاله حاضر با ارائه این راهکارها در این زمینه به بحث در مورد مبانی فقهی آن می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: جرم، پیشگیری، مقدمه حرام، امر به معروف و نهی از منکر، سد ذرایع.

۱- استاد یار مدرسه عالی شهید مطهری

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد واحد شهرری

درآمد

پیشگیری از جرم و برخورد با مجرمان موضوع مهمی است که سالیان دراز پیرامون آن مطالعه و تحقیق شده است. علاوه بر این سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۵ تا سال ۲۰۰۰ به منظور دستیابی به راهکارهایی به منظور پیشگیری از جرم و طراحی حداقل استانداردهای برخورد با مجرمان کنگره‌هایی برگزار کرده است. کنگره‌های سازمان ملل متحد با شرکت نمایندگان دولت‌ها، متخصصان عدالت کیفری، محققان صاحب نام جهانی و اعضای وابسته به سازمان‌های غیر دولتی (N.G.O) جهت بحث دربارهٔ مشکل‌های عمومی، تجربه‌های مشترک و یافتن راه‌حلی درمورد جرم منعقد گردیده است. توصیه‌های این کنگره مربوط به نهادهای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری سازمان ملل متحد و دولتهای محلی و ملی بوده است. (محمودی،

جوادی، گزارشی از سمینارهای سازمان ملل متحد پیرامون پیشگیری از جرم، ص ۱۷۷)

پیشگیری از جرم همواره یکی از موضوع‌های اساسی و مهم در زندگی بشری است که در طول تاریخ به شیوه‌های مختلف اعمال گردیده است. در جوامع گذشته غالباً مجازات به عنوان تنها راهکار مبارزه علیه جرم و به تعبیر صحیح‌تر مجرم تلقی می‌شد و شدت و قاطعیت در اجرای آنرا موجب کاهش بزهکاری می‌دانستند.

پیشگیری از جرم در اسلام اهمیت بسزایی دارد. در سیاست جنایی اسلام، پیشگیری از جرم و کثروی‌ها در انحصار حکومت نیست، بلکه هر فرد مکلفی که نسبت به آن‌ها آگاهی یابد، وظیفه دارد که در حد توان خود نسبت به این امر اقدام کند.

اقدامات پیش گیرنده که به منزله واکسیناسیون جامعه در مقابل جرائم است به دو صورت متجلی می شود:

- ۱- قسمتی از این اقدام ها اساساً مربوط به زمانی است که هنوز جرم تحقق نیافته است.
- ۲- بخش دیگری از این اقدام ها مربوط به زمان پس از وقوع جرم است که این اقدام ها می تواند مانع تکرار جرم شود که به نوبه خود نوعی پیشگیری است. آن بخش که باید بیش از هر اقدام دیگری مورد توجه قرار گیرد، اقدام های پیش از وقوع جرم است زیرا عمل در این مرحله می تواند در سالم سازی جامعه و هدایت افراد نقش عمده و اساسی ایفا نماید.

۱- تعریف جرم و پیشگیری

جرم یک قاعده‌ی ریاضی یا قانون فیزیکی نیست که دارای مفهوم ثابت ولایتگیری باشد. از این رو و در رابطه با جوامع و مکتب‌های حقوقی و

اجتماعی و غیره و حتی در رابطه با مذاهب و ادیان، معانی متفاوتی پیدا می کند. هر کدام جرم را به گونه‌ای تعریف می کنند. (فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۱ ص ۶۵)

در حقوق جزای عرفی غالباً روی تعریف زیر که برای جرم آمده است تکیه می شود: جرم عبارت است از عملی که قانون آن را قدغن کرده یا ترک عملی که قانون آن را لازم دانسته و بر آن عمل یا ترک، کیفری مقرر داشته است. (همان، ص ۶۶)

پیشگیری یکی از مباحث مهم و مطرح در حوزه‌های جرم شناسی کاربردی، سیاست جنایی و حقوق کیفری است که امروزه توجه بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و نهادهای قضایی را به خود جلب کرده تا با ارائه راهکارهایی بتوانند با شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم به استقبال آن بروند و آن را کاهش داده یا از بین

ببرند. چرا که با انجام اقدام ها و تدابیر پیشگیرانه، هم از هدر رفتن هزینه‌های بسیار سنگین و گاه بیهوده درمان جلوگیری می‌شود و هم از لحاظ اجرایی، کار پیشگیری به مراتب آسان تر و مفیدتر از کار درمان است.

به عقیده برخی صاحب‌نظران اصطلاح پیشگیری از جرم بیانگر مکانیزم‌هایی است که برای جلوگیری یا کاهش جرم به کار گرفته می‌شود. پیشگیری از جرم نوعی اقدام یا سیاست است که تعدی حاصل از جرم و تخلف را کاهش داده یا از بین می‌برد. (بیات، شرافتی پور و عبدی، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماعی مخدر، ص ۲۲)

با توجه به آنچه درباره مفهوم پیشگیری در جرم شناسی (تعریف خاص) گفته شد می‌توان مؤلفه‌های این مفهوم را به شرح ذیل بیان نمود:

نخست: اقدام پیشگیرانه، تدابیری است که قهر آمیز یا سرکوبگر نباشد. بنابراین، ضمانت اجراهای کیفری چه با هدف سزادهی یا اصلاح، بازپروری و از گستره مفهوم جرم شناسانه‌ی پیشگیری بیرون می‌مانند.

دوم: اقدام پیشگیری تدبیری است که به طور مستقیم به پیشگیری اختصاص یافته باشد. بنابراین، اثر نهادهایی چون آموزش و پرورش را تنها به طور غیر مستقیم و در کنار دیگر تدابیر و ابزارها می‌توان پیش گیرنده به شمار آورد.

سوم: اقدام پیشگیرانه اگر به ریشه کئی جرائم نینجامد، باید از شمار آن بکاهد. به دیگر سخن، پیشگیری از جرم در بردارنده‌ی تدابیری است که بر «فرآیند گذار اندیشه‌ی مجرمانه به فعل، تأثیر بگذارد. جرم انگاری رفتارهایی چون حمل اسلحه یا ضرب و جرح (برای پیشگیری از قتل) یا ولگردی و تکدی (برای پیشگیری از سرقت) نیز بر همین پایه انجام می‌شود.

چهارم: اقدام پیشگیرانه نه تنها از «راه فرآیند گذار اندیشه به عمل» بر فرد تأثیر می‌گذارد بلکه بر موقعیت‌ها یا شرایط محیطی نیز مؤثر است. این مؤلفه که مبنای یکی از تازه‌ترین تقسیم بندی‌های پیشگیری نیز قرار گرفته است، می‌رساند که پیشگیری باید هم زمان در بردارنده‌ی فرد و محیط پیرامون او باشد. (رایجیان اصلی، رهیافتی نو به بنیادهای نظری پیشگیری از جرم، صص ۱۲۷-۱۲۶)

به رغم این وحدت مفهومی با توجه به متنوع بودن علل بزهکاری هیچ‌گونه وحدت نظری در خصوص طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری وجود ندارد. لذا این برنامه‌ها می‌تواند بسیار متنوع و از یک جامعه به جامعه‌ی دیگر و حتی از جرمی نسبت به جرم دیگر متفاوت باشد.

بدون شک از بین بردن فرصت‌های ارتكابی بزه، یکی از اهداف عمده سیاست جنایی اسلام است. در برخی از متون اسلامی و روایت معصومین توصیه و سفارشی در رابطه با از میان بردن فرصت‌های بزهکاری و ترک اعمالی که زمینه ساز ارتكاب گناه و جرم هستند وجود دارد. عدم مقابله با موقعیت‌های خاصی که فرد را در آستانه بزهکاری قرار می‌دهد ممکن است به نوعی تسهیل در تحقق بزه یا حداقل سهل انگاری در مبارزه با پدیده مجرمانه تعبیر گردیده، لذا این نحو سکوت به حد کافی غیر قابل توجیه و به دور از اهداف سیاست جنایی اسلام خواهد بود. در نظام حقوقی اسلام دفع منکر را مانند رفع آن واجب دانسته‌اند. چرا که ادله وجوب رفع منکر که با هدف به وجود نیامدن جرائم و گناهان صورت می‌گیرد شامل تدابیر تدافعی در پیشگیری از تحقق منکرات و جنایات نیز می‌شود.^۱ (میرزا فتاح، هدایه الطالب الی اسرار

^۱ - قوله بان دفع المنکر کرفعه واجب اقول لوجود المناط فی الاول ایضاً لان الظاهر ان المناط عدم وجود المنکر فی الخارج والا فالادله ظاهر فی الرفع.

المکاسب، ص ۳۴) در موارد عدیده‌ای شارع مقدس اسلام اعمالی را که به عنوان مقدمه و زمینه بروز تخلفات و انحرافات و موجب بروز فرصت‌های ارتکاب اعمال مجرمانه می‌گردد ممنوع نموده است. برای مثال می‌توان به حرمت نگاه به نامحرم یا خلوت کردن با نامحرم اشاره نمود. این اعمال از آن جهت که موجب بروز انحرافات بیشتر و زمینه ساز جرائم جنسی چون تجاوز به عنف و حتی قتل، ضرب و جرح و ... می‌شوند، از طرف شارع ممنوع گردیده است. لذا باور به این امور مانع از به وجود آمدن چنین وضعیت‌های جرم‌زایی و در نهایت ارتکاب بزه می‌شود. موضوع حجاب زن را نیز می‌توان داخل در محدوده پیشگیری دانست. چرا که بی‌حجابی و برهنگی زن از عوامل تحریک‌کننده و موجب بروز جرایم علیه زن می‌گردد. توجه به مقررات اسلام چه در زمینه سیاست کیفری و ... توجه اسلام را به فرصت‌ها و موقعیت‌های بروز را به خوبی روشن می‌کند. برای مثال پس از تأکیدهای فراوان اخلاقی در حفاظت از اموال و حفاظت از تمامیت جسمانی می‌بینیم واکنش کیفری که شارع نسبت به سارق نشان می‌دهد با توجه به فرصت ارتکاب بزه است. لذا در صورتی که مال در داخل حرز مناسب بوده و سایر شرایط موجود باشد، حد سرقت که مجازات بسیار شدیدی است در مورد سارق به اجرا گذاشته می‌شود.^۱

در روایتی آمده است که فردی از موقعیت خطرناک مادرش در تمایل به رابطه نامشروع به پیامبر (ص) شکایت می‌کند. ایشان فرمودند: مادرت را حبس کن. آن مرد می‌گوید: از حبس وی در خانه نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. پیامبر (ص) فرمود: مادرت را به بند مقید ساز. زیرا بالاترین نیکی تو در مورد مادر آن است که او را از بزهکاری

^۱ - ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی: سرقت در صورتی موجب حد می‌باشد که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد: ۱۵- مال مسروق در حرز متناسب نگهداری شده باشد.

بازداری. (الحر العالمی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، ص ۴۱۴، باب ۴۸ از ابواب حد الزنا، حدیث شماره ۱)

در این روایت مبارزه با اوضاع و احوالی که ممکن است در آن جرم به وقوع پیوندد کاملاً محسوس است. با این توصیف پیشگیری وضعی در سرلوحه سیاست جنایی اسلام قرار می‌گیرد و در موارد عدم تأثیر و از باب ضرورت، توسل به سلاح کیفر پیشنهاد می‌شود و سیاست جنایی در معنای عام مهم‌ترین هدف خود را متوجه مضمحل کردن مقتضیاتی می‌کند که موجب تقویت رفتار مجرمانه می‌شود و اقداماتی که می‌تواند استحکام و شیوع یک رفتار خاص و یا خوف رفتارهای منفی را موجب شود.

در موارد متعددی در قضاوت‌های امام علی (ع) آمده است که ایشان پس از اجرای مجازات تعزیری بر یکی از مجرمان جنسی، خود امکان ازدواج وی را فراهم ساخته و هزینه آن را از محل درآمدهای عمومی تأمین می‌کند و سفارش می‌کند که زن‌های زانیه را به ازدواج مردهای قدرتمند در آورند تا آنها را از زنا منع نمایند. (همان، ج ۷، صص ۴۱۲ و ۵۷۵-۵۷۴)

در دیدگاه دینی و اسلامی مسأله پیشگیری از جرم در انحاء مختلف و با اشکال گوناگون اگرچه بدون کلمه سازی و اصطلاح پردازی، به لحاظ محتوایی تحت عناوینی چون مقدمه حرام، سد ذرایع، و امر به معروف و نهی از منکر مطرح بوده است.

۲- مقدمه حرام

هر فعلی که برای رسیدن به کاری حرام انجام شود مقدمه حرام نام دارد. در این مساله دو وجه وجود دارد: هرچند قول به حرمت و کراهت همه‌ی مقدمات حرام مکروه و جیه‌تر به نظر می‌رسد، چون ملاک حرمت و کراهت به جزء اخیر اختصاص ندارد. شرط حرام همان نفس معامله است و خریدار عنب را می‌خرد تا این که آن را به شراب تبدیل کند. بنابراین فروش انگور حرام است. زیرا اعانت بر اشتراء محرم می‌باشد و اشتراء همان شراء و نفس معامله برای درست کردن شراب است. بنابراین فروش انگور مقدمه حرام می‌شود. و طبعاً حرام می‌گردد. فقها می‌گویند: بیع العنب ممن یعمله حرام جایز است اما بیع العنب لیعمله خماً حرام است پس باید تفاوت بین آن دو قائل شویم. در اینجا به دلایل حرمت مقدمه‌ی حرام پرداخته می‌شود.

اما سخن در این است که خود قاعده‌ی «مقدمه الحرام حرام» یک قاعده‌ی اختلافی است. بعضی اصولیون آن را یک قاعده‌ی مسلم می‌شناسند و بعضی دیگر آن را قبول ندارند.

اگر مقدمه‌ای حرام، سببی باشد که لاجرم به انجام حرام منجر گردد حرام است و فاعل معصیت کرده و مستحق عقوبت و مجازات می‌باشد. اما اگر مقدمه حرام، شرط باشد دو حالت دارد: یکی آن که مقصود فاعل آن نمی‌باشد که فعل حرامی را مرتکب شود. در این صورت اشکالی نداشته، معصیتی انجام نداده است. مانند کسی که آتشی می‌افروزد لکن مقصودش این نیست که به واسطه‌ی آن به جنایتی دامن زند و دیگری آن که مقصود او آن باشد که به فعل حرامی برسد و عمل مجرمانه‌ای را محقق سازد. مانند این که به فلان شهر سفر می‌کند به قصد این

که فلان شخصیت را ترور کند یا این که اموال فلان آدم را به سرقت ببرد و یا شرب خمری کند. ظاهر این است که فعل او حرام و فاعل قاصد، معصیتکار و عقوبت دارد. اما اگر در سفرش به مانعی برخورد نمود که نتوانست عمل اصلی را انجام دهد، فقط در اصل مسافرت دچار معصیت شده و اما اگر در تحقق اصل عمل توفیق یافت هم عقوبت و مجازات را دارد و هم گناه کرده است. مهم ترین ادله‌ای که نراقی در اثبات مدعای خود اقامه می‌کند اینست که بدون شک مقدمه حرام به قصد توصل به محرم و اتیان آن، اطاعت شیطان و اتباع هوی نفس است و این تبعیت به وسیله کتاب، سنت و اجماع نهی شده است. (نراقی، عوائد الایام، صص ۷۱-۷۲) و خداوند سبحان می‌فرماید: ولاتتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله^۱ و هم چنین می‌فرماید: فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا^۲. لایواخذکم الله با للغو فی ایمانکم و لکن یواخذکم بما کسبت قلوبکم^۳.

در روایتی یحیی بن عقیل از امیرالمؤمنین می‌فرماید: من از دو چیز بر شما می‌ترسم: تبعیت از هوی و هوس و درازی و طول آرزو. (الکینی الرازی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۵، باب اتباع الهوی حدیث شماره ۳)

۲-۱- دلایل حرمت مقدمه‌ی حرام

۲-۱-۱- از جهت حرمت تجری

معنای تجری در این جا، کشف از سوء باطن فاعل و خبث درونی اوست و معنای اصطلاحی آن مراد نیست که در اصول آمده: تجری عبارتست از مخالفت

^۱ - سوره ص، آیه ۲۶. هرگز هوای نفس را پیروی نکنی که تو را از راه خدا گمراه سازد.

^۲ - سوره النساء، آیه ۱۳۵. پس شما (در حکم شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا عدالت نگهدارید.

^۳ - سوره البقره، آیه ۲۵۵. خدا بر سوگندهای لغو و بیهوده شما را مؤاخذه نکند و لیکن به آن چه در دل دارید مؤاخذه خواهد کرد.

حکم قطعی با موافق نبودنش با واقع مثل اینکه شخص قطع پیدا می‌کند که مایع کذایی خمر است و آن را می‌آشامد و بعد معلوم می‌شود که خمر نبوده است. (انصاری، فرائد الاصول، ص ۳۳)

رأی مرحوم صاحب فصول

قبح تجری بالوجوه و الاعتبار متفاوت است و نمی‌توان آن را علت تامه برای قبح دانست بلکه اگر در ضمن فعل مستحسنی تحقق یابد، حسن فعل مانع از اقتضاء قبح و حرمتش می‌شود. (طوسی، فصول، صص ۲۸-۲۹) به عبارت دیگر، تجری مقتضی قبح است نه علت تامه و بدیهی است که المقتضی اثره مالم یمنع منه مانع و وقتی در ضمن فعل حسن و پسندیده‌ای وجود پیدا کند اقتضایش از بین می‌رود به جای این که اثر قبیح داشته باشد. چه بسا مستحسن نیز باشد مانند جهت نجات دادن نفس محترمه‌ای از خطر جدی انسان دروغ بگوید و یا کشتن کسی که به عقیده‌ی او محقون الدم است و لیکن معلوم گشت که مهد و رالدم است. (انصاری، فرائد الاصول، ص ۳۱)

رأی مرحوم صاحب کفایه

تجری علت تامه برای قبح فعلی است، در نتیجه متجری مرتکب عصیان و گناه شده و باید عقاب شود و دلیل بر صحت این ادعا شهادت وجدان است به دلیل این که ما با وجدان در می‌یابیم که موأخذ متجری صحیح بوده و کسی که حرمت مولایش را شکسته و درصدد طغیان با او بر آمده مستحق تأدیب و شکنجه می‌باشد. به جهت این که عقلاً و عرفاً بر بنده لازمست رسوم بندگی و رزی عبودیت را ترک نکند و بدیهی است که تجری از اموری است که بنده را از این وادی خارج می‌کند و از گروه بندگان بیرون می‌برد ناگزیر عقابش جایز است. البته صرف عزم و نیت بر مخالفت قطع که حاکی از سوء سریره و خبث باطن است عقاب آور نیست بلکه

زمانی وی را عقاب کنند صحیح است که پس از عزم بر معصیت، اقدام به عمل و فعل هم بنماید که با این فرض عقابش درست است، اگر چه در واقع و نفس الامر فعل ارتكابی او از محرمات نباشد. (آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ج ۲، صص ۲۶۰-۲۵۹، امر دوم)

سخن در این است که خریدار چه زمانی به عنوان متجری شناخته می‌شود. اگر او هیچ گونه سوء نیتی نداشته باشد، بر اساس معنای لغوی تجری، متجری نخواهد بود و بالطبع اعانت بر او هم به عنوان متجری معنا و مفهومی نخواهد داشت. اما اگر در این معامله مقصود خریدار فعلیت بخشیدن فعل حرام به واسطه‌ی نفس معامله باشد متجری است و طبق قاعده باید اعانت بر او حرام باشد و لیکن تجری با دو عامل نفس معامله و قصد محقق می‌شود و به عبارت دیگر حقیقتاً تجری فعل متلبس به قصد است و معامله اگر چه فعلی از افعال است اما مادامی که مقرون به قصد نشد، متصف به تجری نخواهد بود. بنابراین صدق گناه دائر مدار به متصف شدن آن به قصد است و فروش بائع فقط اعانت بر جزئی از دو جزء تجری است (نفس معامله و قصد) اگر کسی بگوید: نفس معامله (اشترای) به تنهایی وجود ندارد بلکه همواره توأم با قصد است. بنابراین زمانی که بیع اعانت بر نفس معامله شد قطعاً اعانت بر تجری است و اعانت بر تجری هم حرام است. در جواب می‌گوئیم: از نظر عرف بیع، اعانت بر نفس معامله است (اشترای) یعنی کمک بر خریدن و فروختن است نه این که دلالت بر قصد هم داشته باشد وقتی که بر قصد دلالت نداشت طبیعتاً اعانت بر تجری نخواهد بود. زیرا در تجری قصد لازم است. بنابراین صورت چهارم از صور چهار گانه کلام مقدس اردبیلی به دلیل تجری خریدار و معاونت بر فعل حرام او، توسط فروشنده حرام نیست.

۲-۱-۲- حرمت به واسطه‌ی دلیل عقل

عقل انسان حکم می‌کند که کمک و مساعدت کند و به هیچ نحو از انحاء نیروی بدنی و عقلی خود و یا کالاهای معاملاتی خود را در اختیار کسی قرار ندهد که قادر باشد به واسطه‌ی آن موجبات ضرر و زیان اجتماعی و جنسی و فرهنگی و روحی فرد یا گروه یا اجتماعی را فراهم کند و در صورت دامن زدن به چنین اموری، عقل مستقلاً فاعل را به عنوان معاونت در تحقق افعال خلاف مصالح اجتماعی و عامه مردم مورد مذمت و شماتت قرار می‌دهد. به دلیل قاعده‌ی کلی کما حکم به العقل حکم به الشرع، معین، مرتکب فعل حرام و مستحق عقاب و عقوبت می‌باشد.

۲-۱-۳- حرمت به واسطه‌ی روایات خاصه

روایت خاصه‌ای، در رابطه با نهی بعضی از شروط همانند شرط غرس برای خمر که پیامبر (ص) غارس را لعنت فرموده است وجود دارد. عن جابر عن ابی جعفر (ع): قال لعن رسول الله (ص) فی الخمر عشرة غارسها و حارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و حاملها و المحموله الیه و بایعها و مشتریها و آکل ثمنها. پیامبر (ص) در خمر ده دسته را لعنت فرمودند: کسی که درختان انگور را غرس می‌کند و آن‌ها را حفظ و حراست می‌کند و گیرنده‌ی آب انگور و همین طور کسی که خمر را می‌نوشد و ساقی و حمل کننده و کسی که خمر به او حمل می‌شود و فروشنده و خریدار و خورنده ثمن خمر را لعنت فرمودند.

بنابراین غرس که مقدمه‌ی دورتر و ابعدی برای فعل اصلی، نهی شده است، تملک که مقدمه‌ی نزدیکتری به آن فعل است، به طریق اولی منهی عنه می‌باشد. یعنی این که تملک مشتری برای تخمیر یا هر فعل حرامی دیگر از جانب بایع و فروشنده اعانت بر اثم تلقی می‌گردد و حرام است.

۳- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر طبق ادله اربعه واجب است؛ بلکه هر مقدار پویا تر و عملی تر گردد، جامعه از بالندگی و رشد بیشتری برخوردار خواهد شد. البته این دو فریضه بزرگ الهی مراتب گوناگونی دارد که برخی از آن مراتب عمومیت ندارد، و اجرای آن تنها در اختیار حاکم شهر است و آن اموری است که مربوط به مجازات های بدنی اعم از شلاق و تازیانه و در بعضی موارد قتل می شود. (مکارم شیرازی، تعزیر و گستره آن، ص ۳۸)

امر به معروف و نهی از منکر از غیر رسمی ترین نهاد نظارتی است که توسط آحاد جامعه اسلامی در برابر رفتار دیگران صورت می گیرد و زمینه پیشگیری از وقوع جرایم را فراهم می سازد. امر به معروف و نهی از منکر بنابر قول بهتر واجب کفایی است به دلیل این که هدف شارع، تحقق معروف و برطرف شدن منکر است بدون آن که مباشرت فرد خاصی را شرط کرده باشد؛ بنابراین هرگاه این دو منظور برآورده شود، وجوب برداشته می شود و معنای واجب کفایی نیز همین است. (امینی و آیتی، فقه استدلالی، ص ۱۸۷) در نتیجه همه ی افراد جامعه موظف به ایفای نقش اجتماعی خود می شوند و رفتار و کردارهای پسندیده تبدیل به روند عمومی شده و با عکس العمل به موقع از تحقق رفتارهای نابهنجار جلوگیری به عمل می آید. امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت یک سیستم کنترلی غیر کیفری محسوب می شود. امر به معروف و نهی از منکر به معنای مسئولیت فرد در قبال مردم و جامعه است و مبارزه با همه ی عوامل انحرافی و بیمار کننده و ضدترقی و سلامت را شامل می شود.

۳-۱- امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات

شواهد زیادی در کتاب و سنت به چشم می‌خورد که بیشترین سفارش‌ها و تاکیدها پیرامون امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. سیزده آیه به صراحت به آن اشاره دارد.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: باید از شما امتی باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینان رستگارانند^۱ و در جای دیگر می‌فرماید: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم بیرون آورده شدید تا آنان را امر به معروف و نهی از منکر کنید و به خدا ایمان آورید»^۲.

خداوند متعال در قرآن کریم و آیات دیگری از جمله آیات ۶۷، ۷۱ و ۱۱۲ سوره مبارکه التوبه، آیه ۴۱ سوره مبارکه الحج، آیه ۱۵۷ سوره مبارکه الاعراف، آیه ۱۱۴ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۷ سوره مبارکه لقمان و با بیان اهمیت این فریضه حیاتی، آن را یکی از مهم‌ترین طرق تهذیب نفس و رسیدن به رستگاری، واکنش در برابر اوضاع و احوال جامعه می‌داند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: باید حتماً و حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید، در غیر این صورت، خداوند بدان شما را بر نیکانتان مسلط می‌کند، آنگاه نیکان شما دعا می‌کنند اما اجابت نمی‌شود. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۸، ح ۲۱)

^۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۴. «و لکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون».

^۲ - سوره آل عمران، آیه ۱۱۰. «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله».

امام حسین (ع) انگیزه قیام خود را در وصیت نامه‌اش به برادر خود (محمد حنفیه) امر به معروف و نهی از منکر اعلام می‌دارد و می‌فرماید: «من از روی خود خواهی، خوشگذرانی، فساد و ستمگری از مدینه خارج نشدم بلکه خروج من برای اصلاح طلبی در امت جدم می‌باشد، می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش و سیره جدم و پدرم رفتار نمایم. (مطهری، حماسه حسینی، ص ۱۳۳)

از حضرت امام رضا (ع) نیز نقل شده است که فرمود: پیامبر بارها می‌فرمود: «هنگامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر را واگذارند، پس با خدا اعلان جنگ نمایند.» (حر عاملی، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۱، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، حدیث ۵، ص ۳۹۴)

۳-۲- شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

۱- آگاهی: آگاهی امر کننده و نهی کننده نسبت به معروف و منکر شرعی تا مبادا امر به منکر کرده یا از معروف نهی نماید.

۲- اصرار انجام دهنده منکر و ترک کننده معروف بر عمل خود: بنابراین اگر دانسته شود که ایشان عمل خود را کنار گذاشته، پشیمان هستند، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط، بلکه مبادرت به آن حرام می‌باشد.

۳- ایمنی از رسیدن ضرر: جانی یا مالی یا آبرویی به انجام دهنده این واجب یا به مؤمن دیگر؛ و بدون وجود چنین اطمینانی، امر به معروف و نهی از منکر بنابر قول قوی‌تر، حرام است. (امینی، آیتی، فقه استدلالی، ص ۱۸۶)

۴- احتمال تأثیر دادن: از جمله شرایط ناظر به امر به معروف و نهی از منکر آن است که باید احتمال داده شود که امر و نهی به نوعی مؤثر واقع شود در بین فقهای شیعه هیچ گونه خلافتی در این مورد وجود ندارد و علامه در کتاب «منتهی» فرموده

است این مسأله اجماعی است، بلکه به قدری روشن است که نیاز به استلال ندارد. ولی آنچه از سیره ائمه معصومین و رفتار مدافعین دین فهمیده می شود این است که بایستی حتی در فرض ظن به عدم تأثیر و با اندک احتمال عقلایی بر تأثیر، به امر به معروف و نهی از منکر اقدام کرد. (حاجی ده آبادی، محمدعلی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، صص ۸۸-۸۹)

۳-۳- مراتب امر به معروف و نهی از منکر

- ۱- ابراز ناراحتی و روی گرداندن از انجام دهنده‌ی عمل.
 - ۲- گفتار نرم، در صورتی که روی گرداندن مؤثر واقع نشود.
 - ۳- گفتار تند، با رعایت سلسله مراتب آن، در صورتی که گفتار نرم مؤثر نیفتد.
 - ۴- زدن، به شرطی که هیچ یک از مراتب گفتار تند تأثیر نکند. در زدن نیز باید متناسب با آن چه که مصلحت است و با نوع عمل همخوانی دارد و به گونه‌ای تدریجی عمل شود به طوری که هدف از آن رسیدن به مطلوب باشد.
- وانگهی انکار قلبی که عبارت از پیدا شدن اراده معروف و کراهت از منکر در قلب است. در هر حال واجب است خواه شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، یا نداشته باشد و خواه دیگر مراتب امر به معروف و نهی از منکر را انجام داده باشد یا نداده باشد. زیرا انکار قلبی به این معنا، از لوازم ایمان است و مفسده‌ای در پی ندارد. (همان، ص ۱۸۸)

۳-۴- شرایط آمر و ناهی

امر به معروف و نهی از منکر از جمله‌ی واجبات است و طبعاً به عهده‌ی کسی است که شرایط عامه تکلیف را داشته باشد یعنی به لحاظ شرعی مکلف باشد. (حاجی ده آبادی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی اسلام، ص ۸۴)

شرایط دیگر آمر و ناهی داشتن قدرت و توان انجام این امر مهم است. کسی که قصد امر به معروف و نهی از منکر دارد باید از نظر گفتاری، رفتاری و سایر شرایط دارای قدرت و توانایی لازم باشد. در فرض عدم قدرت بر انجام هیچ یک از مراتب سه گانه (چهره‌ای، گفتاری و رفتاری)، برخی معتقدند (آمر و ناهی) بایستی در قلب خود معروف را نیک دانسته و از منکر بیزار باشد. (همان، ص ۸۴)

برخی از فقها معتقدند در امر به معروف و نهی از منکر شرط است که آمر و ناهی، عادل باشد و بر انسان فاسق، تکلیفی از این نظر نیست و اینان برای اثبات مدعای خویش به آیاتی از قرآن (از جمله آیه های ۲ و ۳ سوره الصف و آیه ۴۴ سوره البقره) تمسک جسته‌اند و نیز گفته‌اند: هدایت دیگران فرع بر هدایت یافتن است و مستقیم کردن دیگران فرع بر استقامت است و کسی که عاجز از اصلاح خویش است از اصلاح دیگران عاجزتر است.؛ (عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، ج ۱، ص ۴۹۹)

برخی شرایط دیگری را نیز به شرایط آمر و ناهی اضافه کرده‌اند و آن اجازه داشتن از امام یا حاکم است. در این که چنین سخنی به اطلاق خود باطل است، تردید نیست. زیرا این آموزه از واجبات و فرایض الهی است، ولی نسبت به برخی از مراتب عمل به این آموزه، به ویژه مرتبه یدی جای تأمل دارد، چون سخن از یک وظیفه همگانی است نه یک وظیفه خاص که از سوی حاکم به افراد محول می‌شود. (حاجی ده ابادی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی اسلام، ص ۸۵)

۳-۵- پیامد امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از جمله آموزه های سیاست جنایی اسلام است که حکایت از نقش و جایگاه بدنه اجتماعی در کنترل و پیشگیری از جرم دارد. در

مقایسه با دیگر آموزه های سیاست جنایی اسلام به ویژگی هایی چون عمومیت داشتن، انعطاف در نمود رفتاری و عملی، حاکمیت بر همه روابط اجتماعی، کارکرد پیش گیرانه و اصلاح گرایانه و در عین حال سرکوب گرانه می توان اشاره کرد. (حاجی ده آبادی، محمد علی، امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۰۵)

از نظر امام علی (ع) رسالت الهی مردم پاسداری از کتاب و سنت الهی است و در این باره بر ضرورت امر به معروف و نهی از منکر به ویژه در بعد سیاسی و حکومتی آن، تأکید می ورزد و می فرماید هرگز از امر به معروف و نهی از منکر دست بر مدارید که در آن صورت، بدان بر شما ولایت خواهند یافت و از آن پس هیچ دعایی مستجاب نخواهد شد. (نهج البلاغه، نامه ۴۷). امام این عمل را دارای برترین ارزش و همانند جهاد در راه خدا می داند. از نظر ایشان انجام وظایف مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، مانع از انحراف جامعه و حکومت می شود. (مرزوقی، رحمت الله، بررسی رابطه حکومت و تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، ص ۱۲۱)

یکی از کارکرد و پیامد امر به معروف و نهی از منکر، جلوگیری از پرورش و سلطه کژروان و مجرمان در جامعه انسانی است. محیط اجتماعی می تواند با پرورش و تسهیل استعداد های مجرمانه ی نهفته، برخی از افراد جامعه را به سوی ارتکاب جرایم و انحرافات سوق دهد.

اگر نظارت همگانی در جامعه به دست فراموشی سپرده شود فرصت مناسب برای به تحقق رسیدن اندیشه های مجرمانه فراهم و محقق می شود عکس این فرضیه صادق است. یعنی اگر جامعه با حساسیت تمام نظارت عمومی خود را در برابر رفتارهای نابه هنجار اجتماعی اعمال نمایند، بدون تردید فرصت های تبهکاری از افراد جامعه سلب و رشد آن متوقف خواهد شد. پس از پیامدهای مهم امر به معروف

و نهی از منکر تقویت هنجارهای مورد نظر جامعه اسلامی و فراهم سازی زمینه عمل به هنجار می باشد. بنابراین از کارکردهای مهم امر به معروف و نهی از منکر فراهم سازی زمینه عمل به هنجار و تقویت هنجارهای مورد نظر جامعه اسلامی و عمل به نیکی است. آن چه از عمل به این فریضه حاصل می شود نیروی عظیمی است که پشتوانه اجتماعی دارد و می تواند بسیاری از هنجارها را در ذهن درونی سازد و از این طریق راه عمل به دیگر واجبات را فراهم کند.

امر به معروف و نهی از منکر از اقدام های پیشگیرانه بوده و در سیاست جنایی اسلام، تمامی مراحل شکل گیری عمل مجرمانه را در بر می گیرد. لذا تمسک و توسل به آن، پیامدهای مهمی نظیر: تأمین حقوق همگان، اصلاح عامه، بازداشتن بدکاران، ممانعت از تجاوز به مجرمان، حفظ نظام اجتماعی سالم، برقراری عدالت و نگهداشتن نظام ارزشی و اخلاقی جامعه و به ارمغان می آورد.

۴- سد ذرایع

سد ذرایع مرکب اضافی می باشد که از دو جزء مضاف و مضاف الیه تشکیل می شود. بسیاری از قائلان به سد ذرایع به عنوان دلیلی از ادله‌ی شرعیه اطلاق کرده‌اند و گاهی هم به آن به اسم ذرایع فقط اطلاق می کنند و همان معنی را قصد می کنند. در هر صورت برای بهتر شناخته شدن ذرایع ناگزیر هستیم اجزاء آن را تفکیک کرده و به تعریف هر یک بپردازیم.

معنی کلمه سد: سد به معنای پوشاندن و پر کردن سوراخ می باشد.

تعریف ذرایع:

الف) لغوی: وسیله‌ای برای رسیدن به یک شی است

ب) اصطلاحی: تعاریف مختلفی برای آن کرده‌اند:

شاطبی: التوسل بما هو مصلحه الی مفسده: (الشاطبی، الموافقات فی اصول الشریعه، ج ۴، ص ۱۹۹) توسل جستن به آنچه که مصلحت برای رسیدن به یک مفسده می باشد. تعریف متأخرین: «مایتوصل به الی شی ممنوع مشتمل علی مفسده» (مدکور، مدخل الفقه الاسلامی، ص ۴۸) ذریعه یعنی آنچه که برای رسیدن به یک شی ممنوع که مشتمل بر مفسده می باشد توسل پیدا می کنند.

شاید بتوان گفت در میان تعاریفی که برای ذریعه ذکر شده است بهترین آن تعریف ابن قیم در کتاب اعلام الموقعین می باشد او چنین می گوید: «الذریعه ماکان وسیله و طریقاً الی الشی» (ابن قیم، اعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۳، ص ۱۳۵) ذریعه به چیزی گفته می شود که وسیله و طریق رسیدن به یک شی می باشد. البته این تعریف از همان مفهوم لغوی ذریعه گرفته شده است ولی تعمیم دادن آن وسایل شرعی را نیز در بر خواهد گرفت.

۴-۱- اقسام ذریعه

۴-۱-۱- از دیدگاه ابن قیم

۱- وسایلی که برای رسیدن به مفسده وضع شده اند: مثلاً شرب خمر منجر می شود که شخص حالت اسکار پیدا کند یا زنا که موجب تداخل و فساد فراش خواهد شد. پس این وسایل فقط برای مفسده است.

۲- وسایلی که برای رسیدن به امور مباح درست شده اند. مگر این که فاعل آن از آن وسیله، رسیدن به یک مفسده را قصد می کند. مثال: منعقد کردن عقد بیع در حالی که قصد ربا از آن می کند بنابراین خود عقد بیع برای امور مباح وضع شده است ولی فاعل آن یک امر حرامی را قصد می کند و هم چنین فعل کسی که به عنوان محلل

واقع می‌شود هرچند قصد نکاح از اجزاء خطبه می‌کند ولی انگیزه و منظور اصلی او محلل واقع شدن و حلال کردن زن می‌باشد.^۱

۳- وسایلی که برای امور مباح وضع شده‌اند و فاعل آن هم قصد امر مباحی را می‌کند. لکن غالباً منجر به مفسده می‌شود و مفسده آن ارجح از مصلحتش می‌باشد. مثال: ناسزا گفتن به خدایان مشرکین، هرچند این عمل فی‌نفسه مباح است و فاعل آن قصد یک کار مباح را می‌کند ولی نتیجه آن مفسده است. بدین معنی که موجب ناسزا گفتن مشرکین به خداوند متعال خواهد شد. و هم چنین زینت کردن زنی که شوهر او فوت کرده و در زمان عده وفات بسر می‌برد. هرچند عمل زینت کردن مباح است و فاعل آن قصد امر مباحی را می‌کند ولی غالباً موجب مفسده می‌شود.

۴- وسایلی که برای یک امر مباح قرار داده شده است ولی گاهی اوقات منجر به مفسده می‌شود هرچند که مصلحت آن‌ها ارجح از مفسده آن‌ها می‌باشند. به عنوان مثال گفتن کلمه حق در نزد سلطان جور، هرچند این امر مباح بوده و مصلحت آن ارجح از مفسده‌اش می‌باشد اما چون موجب ایذاء و اذیت فاعل آن خواهد شد لذا تولید مفسده می‌کند. هم چنین نگاه کردن به زنی که قصد ازدواج با او را دارد و می‌خواهد از او درخواست ازدواج کند. هرچند نگاه کردن به او جایز است ولی احتمال ریب و مفساد دیگر در آن وجود دارد.

^۱- در میان اهل تسنن محلل واقع شدن اشکال داشته و عمل او حرام است.

۴-۱-۲- از دیدگاه شاطبی

۱- آنچه که موجب مفسده قطعی می‌شود مانند کندن چاه در مکان‌هایی که محل عبور و مرور عابرین می‌باشد و شخص حفر کننده می‌داند که هر کس از آن مکان عبور کند قطعاً در چاه می‌افتد.

۲- آنچه که به ندرت موجب مفسده خواهد شد، مثل حفر چاه در جایی که غالباً عابرین از آن موضع عبور نمی‌کنند یا فروختن اغذیه که غالباً موجب مسمومیت و ایجاد بیماری نمی‌کند.

۳- آنچه که غالباً موجب مفسده خواهد شد. مثلاً فروختن انگور به شخصی که از آن برای درست کردن شراب استفاده می‌کند و یا فروختن چاقو به فردی که معمولاً در ایراد ضرب و جرح از آن استفاده می‌کند و هم چنین فروختن سلاح در هنگام جنگ.

۴- آن چه که منجر به مفسده می‌شود (به طور کثیر) مثلاً در معاملات مماثل که در آن زیادتی وجود دارد غالباً منجر به ربا خواهد شد. (شاطبی، ابو اسحاق، الموافقات فی اصول الشریعه، ج ۳، ص ۳۵۷)

شاید بتوان گفت: تقسیم شاطبی یا تعریفی که برای سد ذرایع شد مناسبتر باشد و کامل تر از تعریف ابن قیم است. در مورد چهار نوع فوق که از شاطبی ذکر شد علماء اهل تسنن آراء مختلفی دارند بعضی قائل به نوع اول بعضی قائل به نوع دوم و یا انواع دیگری می‌باشند.

۴-۲- ادله بر حجیت سد ذرایع

بر حجیت سد ذرایع به ادله مختلفی از جمله کتاب، سنت پیامبر اسلام (ص) و اعمال صحابه استدلال کرده‌اند:

۴-۲-۱- قرآن کریم

آیه اول: قول خداوند متعال «*وَلَا تَسِبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسبُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ*»^۱ دشنام ندهید به کسانی که غیر خداوند را می پرستند. چرا که موجب می شود آن‌ها را خداوند متعال دشنام دهد.

استدلال: خداوند متعال دشنام دادن به خدایان مشرکین را حرام کرده است، هرچند دشنام ایشان برای حب به خداوند متعال باشد، زیرا موجب می شود آنان سب خداوند تبارک و تعالی را کنند. بنابراین مصلحت ترک نمودن ناسزا گفتن به آله مشرکین ارجح از مصلحت ناسزاگفتن به خداوند متعال است. نتیجه این که این تنبیهی بر منع از فعل جائز است به جهت آن که موجب یک عمل نامشروع نشود.

آیه دوم: قول خداوند متعال: «*وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ*»^۲ آیه شریفه خطاب به زنان است «پاهایتان را به زمین نکوبید تا زینت‌های شما آشکار شود.»

استدلال: خداوند زنان را از کوبیدن پا نهی کرده است. هرچند که فعل جائزی می باشد برای آن که موجب نشود مردان صدای خلخال پای آن‌ها را بشنوند و به سوی آن‌ها تمایل و گرایش پیدا کنند. بنابراین کوبیدن پا به زمین به جهت آشکار شدن زینت‌ها و به ریب افتادن مردان حرام است. هرچند راه رفتن فی نفسه مباح است لکن در صورتی که منجر به فساد شود ممنوع می گردد و معنای سد ذرایع نیز چیزی جز این نمی باشد.

^۱ - سوره الانعام ، آیه ۱۰۸.

^۲ - سوره النور ، آیه ۳۱.

آیه‌ی سوم: «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم و الذین لم یبلغوا الحکم منکم ثلاث مرات»^۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید بندگان شما و هم چنین اطفالی که به حد بلوغ نرسیده‌اند روزی سه مرتبه اجازه بخواهند» استدلال: در این آیه کریمه خداوند به ممالیک مؤمنین و کسانی که به زمان بلوغ نرسیده‌اند امر کرده است که از مولی و ولیشان سه مرتبه اجازه بخواهند یکبار پیش از نماز صبح و یکبار هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن در می‌آورند و یکبار بعد از نماز عشاء چون بدون اجازه گرفتن غالباً احتمال واقع شدن در حرام وجود دارد. لذا امر به استئذان شده‌اند.

آیه‌ی چهارم: «یا ایها الذین آمنوا لاتقولوا راعنا و قولوا انظرنا و اسمعوا و لیکافرین عذاب الیم»^۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نگوئید رعایت حال ما را کن. بگوئید: به ما نظر کنید و گوش کنید و برای کافرین عذابی دردناک مهیا شده است.» استدلال: خداوند متعال مؤمنین را که به حضرت رسول (ص) بگویند: «راعنا یا محمد» را نهی فرموده است. یعنی «راقبنا» این معنی هر چند وجیه و خوب است ولی به علت آن که این کلمه از کلماتی بوده که حمل بر رعونه می‌شده است. لذا خداوند سبحان مؤمنین را از به کار بردن آن نهی کرده است. زیرا کفار این کلمه را در مخاطب قرار دادن حضرت رسول (ص) و برای ایذاء و اذیت نمودن وجود مبارک ایشان به کار می‌بردند و این نهی از جایز می‌باشد. ولی به جهت ایذاء حضرت ختمی مرتبت حرام گردیده است.

^۱ - سوره النور، آیه ۵۸.

^۲ - سوره البقره، آیه ۱۰۴.

۴-۲-۲- سنت

۱- حضرت رسول اکرم (ص) امت خود را از نماز خواندن در هنگام طلوع خورشید و هنگام غروب آن نهی فرمودند و علت آن را این طور بیان فرمودند که این دو زمان وقت سجود مشرکین برای خورشید است و این نهی سد ذرایع از مشابهت این دو می‌باشند یعنی هرچند این عمل در آن اوقات مباح است ولی به جهت شباهتی که به مشرکین پیدا نموده موجب مفسده خواهد شد و ممنوع گردیده است.

۲- حضرت رسول (ص) قرض دهنده را از قبول هدیه منع کردند برای این که منجر به ربا نشود. هرچند قبول کردن هدیه از طرف قرض دهنده فعل مباحی می‌باشد ولی به دلیل آن که قرض دهنده با تاخیر دین به جهت رسیدن به هدیه احتمال واقع شدن در شبهه ربا را قوی می‌کند منع گردیده است.

۳- پیامبر اکرم (ص) ازدواج با خاله و عمه همسر را نهی فرمودند و این عمل را موجب قطع رحم دانستند. یعنی یک مرد نمی‌تواند با خاله یا عمه همسر خود ازدواج کند هرچند که همسر او راضی به ازدواج باشد. چرا که این وسیله‌ای در مهیا نمودن قطع صله رحم می‌شود. بنابراین منع حضرت به جهت عواقبی است که از این عمل ناشی می‌شود. هرچند این عمل فی نفسه جائز بوده و بلا اشکال است ولی به خاطر پیامدهای آن ممنوع شده و سد ذرایع نیز چیزی جز این نمی‌باشد.

۴-۲-۳- اقوال صحابه و اعمال ایشان

۱- عمر مؤمنان را از نماز خواندن در زیر درختی که بیعت رضوان در آنجا واقع شده نهی کرد. نقل شده بعد از فوت رسول خدا در زمان عمر مردم به زیر درخت بیعت رضوان می‌رفتند و نماز می‌خواندند و عمر گفت: می‌بینم شما به زمان جاهلیت

برگشته‌اید. آگاه باشید که از امروز هیچ کس حق ندارد که در زیر این درخت نماز بگذارد والا او را به قتل می‌رسانم پس امر کرد که آن درخت را قطع کنند.

استدلال: علت نهی عمر از چنین کاری ترس این که مسلمانان به عبادت بت‌ها برگردند بود چون آن‌ها قریب به زمان جاهلیت بودند با وجود آن که اصل نماز خواندن در زیر درخت بیعت رضوان جایز می‌باشد.

از مجموعه ادله‌ای که گذشت می‌توان این طور نتیجه گرفت که تقریباً اکثر علماء اهل تسنن قائل به سد ذرایع می‌باشند. البته عده‌ای نیز آن را با این اصطلاح قبول ندارند و برای آن اصطلاح دیگری برگزیده‌اند که در نهایت با یکدیگر فرقی نمی‌کند. در نتیجه این که در سد ذرایع ترجیح بین دو امر است اگر امری که مکلف می‌خواهد انجام دهد مفسده‌اش راجح بر مصلحتش است ترجیح با سد آن می‌باشد و این همان سد ذرایع است و اگر احتمال مفسده و مصلحت با هم مساوی باشد ترجیح با منع از مفسده است و این مراد، قول آن دسته علماء است که می‌گویند دفع مفسد بهتر از جلب مصالح است و اگر مفسده آن مرجوح و مصلحت راجح باشد عمل به مصالح اولی می‌باشد. بنابراین سد ذرایع در حقیقت ترجیح بین دو امر است.

۴-۳- نظر علماء امامیه

سد ذرایع را نمی‌توان یک اصل در کنار بقیه مصادر تشریح برای استخراج احکام قرارداد. زیرا سد ذرایع داخل در باب مقدمه می‌شود و مقدمه هر حکم یا از طریق عقل یا از طریق ملازمه لفظیه ثابت می‌شود.

الف) از طریق عقل: که با قاعده‌ی ملازمه صورت می‌گیرد. به معنای این که عقل به وجود ملازمه بین حکم برشی و حکم بر مقدمه آن شی حکم می‌کند. بنابراین اگر ما علم پیدا کردیم که شارع بر ذی المقدمه حکم کرده به وجوب، علم

پیدا می‌کنیم که مقدمه نیز همین حکم را دارد. بنابراین حکم مذکور از صغری های حکم عقل بوده و یک اصل مستقل و مجزا نیست.

ب) از طریق ملازمه لفظیه: یعنی از دلالت التزامیه ادله احکام، بدین معنی که مثلاً صَلَّ دَلالت بر وجوب نماز می‌کند و همین دلالت بر وجوب بر ملازمه و مقدمه آن که وضوء باشد نیز دلالت می‌کند. بنابراین وجوب مقدمه ها معلول نصوص می‌باشد و سد ذرایع از صغری های دلیل نصوص می‌گردد. لذا به قول مالک و احمد وابن القیم که می‌گویند: «انها من اصول الاحکام فی مقابل بقیه الاصول» نتیجه می‌گیریم.

ج) البته در کنار سد ذرایع فتح ذرایع نیز از طرف علماء اهل تسنن مطرح شده است که نقطه مقابل سد ذرایع می‌باشد و همان طور که بیان گردید این دو عنوان با عنوان مقدمه واجب و مقدمه حرام در فقه امامیه تقارب پیدا می‌کنند. فرق اساسی که بین آنها وجود دارد این است که بر اساس فقه امامیه در فعل یا ترک مقدمه یک عمل فی نفسه ثواب یا عقابی مترتب نخواهد شد بلکه ثواب و عقاب تابع ذی‌المقدمه بوده و به علت آنکه به واسطه ترک مقدمه ذی‌المقدمه ترک خواهد شد. لذا شارع مقدس فاعل آن را معاقب می‌کند. در مقدمه حرام نیز به همین شکل است یعنی در مقدمه حرام انجام مقدمه ها برای رسیدن به یک عمل حرام در صورتی که منجر به اصل عمل محرم نگردد حرام نمی‌باشد.

نتیجه این که فقهاء امامیه به حرمت و وجوب نفسی برای مقدمه های حرام یا واجب قائل نمی‌باشند بلکه وجوب یا حرمت آن را تبعی و تابع ذی‌المقدمه می‌دانند. بر خلاف اهل تسنن که وجوب یا حرمت آن دو را نفسی می‌دانند.

نتیجه گیری

- ۱- فعل یا ترک فعل که مطابق قانون دارای مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی یا تربیتی باشد جرم محسوب می‌شود و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد.
- ۲- پیشگیری از جرم نوعی واکنش اجتماعی و جنایی در مقابل پدیده مجرمانه است، هر جامعه ای برای تنظیم روابط اجتماعی میان مردم و حفظ اساسی ترین ارزش‌های حاکم بر روابط آنها، ناچار است که در مقابل افراد هنجار شکن واکنش نشان دهد. اسلام برای تهذیب نفوس، پاسداری از مصالح امت و بسط عدالت، امنیت اجتماعی، حفظ نظام و ارزش‌های جامعه شیوه‌هایی از جمله مقدمه الحرام حرام، امر به معروف و نهی از منکر، سد ذرایع را به کار گرفته است.
- ۳- خداوند تبارک و تعالی امر به تعاون بر برّو تقوا نموده و هم چنین از تعاون بر اثم و عدوان نهی نموده و این ها به اعتبار فعل واحد یا قضیه واحد یا واقعه‌ی واحدی نیست بلکه خطاب به عموم مؤمنین و مسلمین است که هر کدام دیگری را در برّ و تقوا یاری دهد ولی از مساعدت و کمک در اثم و گناه خودداری کند.
- ۴- در فقه اسلامی سد ذرایع به عنوان ظریف ترین تدابیر اسلامی است که شارع مقدس برای پیشگیری از وقوع جرم، اصلی مقدماتی را که منتهی به وقوع در آن جرم می‌شود تحریم می‌کند.

پیشنادهایی در زمینه پیشگیری از جرم

- ۱- استفاده از دین و باورهای مذهبی و تقویت آنها در افرادی که مستعد برای ارتکاب جرم هستند و تقویت باورهای عمومی و بالابردن شناخت دین در سطح عمومی جامعه
- ۲- بهبود و افزایش اعمال مذهبی در افرادی که دچار اختلال رفتاری می‌باشند.
- ۳- ایجاد کارگاه‌های آموزش عقیدتی، عملی و مذهبی به عنوان مساعدت کننده و تصحیح کننده رفتار مجرمان
- ۴- ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و توبه و توبه پذیری در میان مجرمین به عنوان راهکاری در پیشگیری از تکرار جرم
- ۵- فرهنگ سازی رسانه‌های گروهی از طریق شناسایی و تحلیل معضلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اتخاذ تدابیر و به کارگیری اقدام های مناسب در جهت کاهش میزان بزهکاری

منابع و مأخذ:

قرآن

نهج البلاغه

- ۱- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین: **کفایه الاصول**، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ = ۱۳۶۷، ط، ثانیه، ۱۴۱۷ هـ ق
- ۲- ابن حزم اند لوسی و ابو محمد علی بن احمد بن سعید: **المحلی بالاثار تحقیق** الدكتور عبدالغفار سلیمان البنداری، دارالفکر، بیروت، لبنان، بی تا
- ۳- ابن قیم، جوزیه، شمس الدین ابی عبدالله محمد بن ابی بکر: **اعلام الموقعین عن رب العالمین**، راجعه و قدم له، وعلق علیه، طه عبدالرؤف سعد، چاپ دارالجلیل، بیروت، لبنان.
- ۴- انصاری، مرتضی: **فرائد الاصول**، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ط الاولی، بیروت، لبنان، ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ هـ
- ۵- حر العاملی، محمد بن حسن: **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ط تسع، م ۱۱۰۴ هـ
- ۶- شاطبی، ابی اسحق: **الموافقات فی اصول الشریعه**، به قلم الشیخ عبدالله دراز، مکتبه التجاریه الکبری، مصر، ۷۹۰م
- ۷- کلینی الرازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق: **الکافی**، (م ۳۲۹) تحقیق علی اکبر الغفاری، الطبعة الثالثه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بازار سلطانی
- ۸- امینی، علیرضا و آیتی، محمدرضا: **فقه استدلالی**، ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه، ترجمه‌ی سید مهدی دادمزنی، قم، ۱۳۸۸.

- ۹- بیات، بهرام، شرافتی پور، جعفر و عبدی، نرگس: پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماعی مخدر، انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، تهران، س ۱۳۸۷.
- ۱۰- حاجی ده آبادی، محمد علی: امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی اسلام، مجله فقه و حقوق، ش ۱، س ۱۳۸۳.
- ۱۱- حکیم، السید محمد تقی، الاصول العامه للفقهاء المقارن، المجمع العالمی لاهل بیت علیهم السلام، قم، ط الثانية، ۱۴۱۸ هـ، ۱۹۹۷ م.
- ۱۲- رایجیان اصلی، مهرداد: رهیافتی نو به بنیادهای نظری پیشگیری از جرم، مجله حقوق دادگستری، ش ۴۹-۴۸، س ۱۳۸۳.
- ۱۳- طوسی: فصول، رکن الدین محمد بن علی گرگانی استرآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
- ۱۴- عوده، عبدالقادر: التشريع الجنایی الاسلامی، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- ۱۵- فیض، علیرضا: مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۶- مجلسی، شیخ محمد باقر: بحارالانوارالجامعه لدرراخبارالائمة اطهار، انتشارات مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان، الطبعه الثالثه، ۱۴۰۳ هـ، ۱۹۸۳ م.
- ۱۷- محمودی، جواد: گزارشی از سمینارهای سازمان ملل متحد پیرامون پیشگیری از جرم، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، ش ۱، س ۱۳۸۳.
- ۱۸- مدکور، محمد سلام: مدخل الفقه الاسلامی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

- ۱۹- مرزوقی، رحمت الله: بررسی رابطه حکومت و تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، مقالات برگزیده (همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع))، تهران، چاپ اول، س ۱۳۷۹.
- ۲۰- مطهری، مرتضی: حماسه حسینی، انتشارات صدرا، چاپ ۱۴، قم، ۱۳۷۳.
- ۲۱- مکارم شیرازی ناصر: تعزیر و گستره آن، ابوالقاسم علیان نژادی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۲۲- میر خلیلی، سید محمود: پیشگیری وضعی از نگاه آموزه های اسلام، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، ش ۱، س ۱۳۸۳.
- ۲۳- میرزا فتاح شهیدی تبریزی: هدایه الطالب إلى اسرار المكاسب، قم، مطبوعه بهمن، الطبعة الثانية، ۱۴۰۷ه ق.
- ۲۴- نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی: عوائد الايام، مركز الابحاث والدراسات الاسلاميه، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، مركز النشر، ۱۳۷۵، ط الاولى، ۱۱۸۵- ۱۲۴۵ ق.